

کابوس وحشت دختر از سایه ۲ مرد



دختر جوان که هدف حمله مردان موبایل قاپ گرفته است حتی از سایه خودش نیز می ترسد و مرتب کابوس می بیند.

۲ سارق پس از مصرف مواد مخدر سوار بر موتور در خیابان‌ها پرسه می زنند و در چشم بر هم زدن دست به موبایل قاپی در شرق تهران می زنند.



۱۶

• شنبه، ۳۱ تیر ۱۴۰۲
• ۴ محرم ۱۴۴۵
• سال بیست و نهم
• شماره ۸۲۳۸

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

حوادث ایران

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

گفت‌وگو با مردی که پس از مرگ زنده شد

بازگشت از دنیای مردگان



تیترها

قتل دختر جوان رضوانشهری به دست نامزدش در مدرسه‌ای متروکه

سرهنگ مجید رسول زاده فرساد از قتل فجیع دختر جوانی به دست نامزد ۲۱ ساله‌اش خبر داد.

۱۶

قرار بود ۳ دوست قتل را گردن بگیرند

شکستن پیمان رفاقت در دادگاه یک جنایت

مرد جوان در دادگاهی یک جنایت پیمان رفاقت و انگشت اتهام قتل را به سوی دوستش نشانه رفت. به گزارش پرونده، دعوی مستانه در آلابیق پارکی در شهریار جنایت تلخی را رقم زد.

۱۸

پسر ۱۶ ساله ناخواسته قاتل شد

داستانسرایبی عجیب در شلیک به پدر

پدری وقتی تفنگ وینچستر خرید تصور نمی کرد با شلیک ناخواسته پسر ۱۶ ساله‌اش به قتل برسد. پسر جوان هنگام بازی با تفنگ وینچستر همه را داغدار کرد.

۱۸

قتل پسرعموی قاتل وحید مرادی

پسرعموی قاتل وحید مرادی در درگیری خیابانی به قتل رسید. غروب روز پنجشنبه است. ۲۹ تیر ماه سال ۱۴۰۲. خیابان ۱۷ شهریور در تکاپوی همیشگی خود فرو رفته است. ماشین‌ها تردد می کنند و موتورسیکلت‌ها با سرعت از کنارشان می رانند.

۱۸



داستان جنایی

پرواز با عشق

فضای نیمه روشن راهروی بیمارستان خیلی خلوت بود، پاسی از شب گذشته زایمان ثانیه شماری می کردند تا نوزادانشان به دنیا بیایند. احمد دلشوره بیشتری داشت، برادر کوچکتر بود و نخستین تجربه پدر بودن را پشت سر می گذاشت. محمود که دو تا پسر داشت، می دانست نازنین آرزو دارد جنین‌اش جور شود و دختری وارد زندگیش بشود.

در معاینات اولیه اعلام می کنند مرده‌ام، سپس به سردخانه منتقل می شوم و راننده که طحالش پاره شده بود به دلیل خونریزی داخلی در همان بیمارستان فوت می کند. * چطور زنده شدید؟

نمی دانم، اما گویا چند ساعت که در سردخانه بودم، یکی از پزشکان وارد سردخانه می شود تا برای من گواهی فوت صادر کند که متوجه می شود یکی از انگشتان پای من تکان می خورد و بعد پروسه درمانی شروع می شود.

* چند روز در حالت کما بودید؟
۴۲ روز در حالت کما بودم و خود را آزاد و رها حس می کردم، زیرا در کما کامل بودم. * در حالت کما چه احساسی داشتید؟

تقریباً از وقتی به کما رفتم خودم را ابتدا در سردخانه می دیدم و هر چه فریاد می زدم من زنده هستم، کسی مرا نمی دید و به حرف‌هایم توجه نمی کرد. پس از تشخیص زنده بودن وقتی به بخش انتقال یافتم، همه را می دیدم و از خودم می پرسیدم آنها چرا اینقدر ناراحت هستند و بی تابی می کنند.

* در مدت ۴۲ روز مدام در بیمارستان کنار بیکر خود ماندید؟

بیشتر بله، اما هر کجا می خواستم به راحتی می رفتم و همه را می دیدم و سعی می کردم با آنها ارتباط بگیرم، اما آنها توجهی به من نداشتند، پس از ۴۲ روز وقتی به هوش آمده‌ام و از کما خارج شدم به کسانی که به ملاقاتم آمده بودند می گفتم آن روز چه لباسی پوشیده بودند و چه حرفی می زدند، کنار من در بخش

هوا رو به تاریکی می رفت که از او خواستم من در صندلی پشت دقایقی استراحت کنم و دیگر چیزی به خاطر ندارم و زمانی به خود آمدم که نمی دانم چه مدت در کما بودم و پزشکان بالای سرم بودند و بشدت تلاش می کردند مرا به زندگی بازگردانند. بعداً متوجه شدم وقتی من در صندلی عقب خواب بودم، خودرو با تریلی حامل سنگ برخورد کرده و من از شیشه خودروی پاترول به بیرون پرتاب شده بودم.

* پس تصادف خیلی شدید بود؟
بله، ظاهراً در طول مسیری یکی از دوستانم که برادر او نیز تصادف کرده بود، تعریف می کرد وقتی تصادف شد، من در خودروی پشت سر می دیدم که متوجه شدم سرنشین عقب خودروی پاترول پس از پرتاب شدن از شیشه به بیرون مانند گنجشک در جاده بالا و پایین می پرید و هی بلند می شد و دوباره زمین می خورد.

* برای راننده چه اتفاقی رخ داد؟
بعد از تصادف راننده حالش بهتر از من بود و درخواست می کند تا مرا به بیمارستان ببرند، اما به وی گفته می شود من جان باختم و راننده که در شرایط جسمی بهتر از من بود، مرا به عنوان فردی که مرده بودم سوار یک خودروی وانت می کند. اما متأسفانه راننده عمویش به دنیا نیامد و در این حادثه او جان باخت و من زنده ماندم.

* شما را پس از تصادف به کجا منتقل کردند؟
وقتی راننده وانت مرا به بیمارستان می رساند

تجربه به این جمله بسنده می کند: باور کنید مرگ ترس ندارد. * آقای کشاورز مرگ سخت است؟
خیر، مرگ این پیام را به همگان نوید می دهد که مراقب باشید چون هیچ کس از دقیقه دیگر عمر خود خبر ندارد و هر لحظه ممکن است جسم خاکی را ترک کند.

* حادثه مرگ شما چگونه رخ داد؟
سال ۱۳۷۴ بود و با توجه به شغلی که داشتم باید برخی از مأموریت‌ها را به عنوان مدیرکل پست، خودم انجام می دادم. قرار بود از کردستان عازم مأموریت به تهران شوم، من و یکی از همکاران که راننده شرکت بود حوالی ساعت ۲ بعدازظهر عازم تهران شدیم، آن سال در کردستان برف شدیدی باریده بود به طوری که مردم می گفتند در ۲۰ سال گذشته این میزان برف سابقه نداشته است. خاطریم هست با انبوه برف جاده یک طرفه شده بود. من و راننده داخل خودرو بودیم و او شب گذشته در یک مراسم عروسی حضور پیدا کرده بود و کاملاً خسته و بی خواب بود. ایشان مرا خیلی دوست داشت، فامیل من کشاورز بود و نام خانوادگی ایشان کشاورزی و نسبتی هم با یکدیگر نداشتیم، اما رابطه خوب و صمیمی داشتیم و من به او علاقه زیادی داشتم.

آن روز مسیری که باید در ۲ ساعت طی می شد، بیش از ۴ ساعت طول کشید. وقتی در پیم بنزین ایستادیم او از خواب بیدار شد و از من خواست اجازه دم تا او رانندگی کند،

زهره جمالی اخوان / بازگشت از دنیای مردگان و سوالات بی شمار از جهانی که تنها تصویری از آن در ذهن‌ها جا خوش کرده از دیرباز مورد توجه مردم بوده است. از دیرباز بوده‌اند انسان‌هایی که پس از مرگ باز دیگر خداوند فرصت دوباره‌ای به آنها داده است تا زندگی را ادامه دهند. کما اینکه هر سال در ماه مبارک رمضان شبکه ۴ سیما برنامه‌ای با عنوان «زندگی پس از زندگی» را به تصویر می کشد که بشدت مورد توجه مردم قرار گرفته و هر یک از دعوت‌شدگان به این برنامه مواردی از دنیای پس از مرگ را برای مخاطبان این شبکه همراه با احساس و عاطفه بازگو می کنند.

بدون تردید باید پذیرفت، انسان و به تبع آن حیات وی سرشار از رمز و رازهای فراوانی است که پس از آفرینش انسان در کره خاکی همچنان سر به مهر باقی مانده است. ما انسانیم، موجودی که اشرف مخلوقات لقب گرفته، اما این انسان هنوز بر آنچه در پس پرده مرگ می گذرد، بی اطلاع است. به این بهانه سراغ فردی رفتیم که هنوز پس از گذشت سال‌ها از اتفاقی که برایش رخ داده همچنان افکارش تحت الشعاع حادثه‌ای است که در یک لحظه او را به وادی مردگان کشید و پس از بازگشت از دنیای مردگان و مشاهدات او پس از مرگ، ما را برآن داشت تا با او به گفت‌وگو بنشینیم. مازنار کشاورز مرد ۶۴ ساله‌ای که از مدیران شرکت پست کشور است و اکنون با دنیایی از

یزد

ردیف	آدرس	شماره پرونده	نوع ملک	کاربری ملک	متراژ عرصه	متراژ اعیان	مبلغ پایه مزایده (ریال)	شرایط پرداخت	توضیحات	ردیف	آدرس	شماره پرونده	نوع ملک	کاربری ملک	متراژ عرصه	متراژ اعیان	مبلغ پایه مزایده (ریال)	شرایط پرداخت	توضیحات
۲۰	زارچ ، پشت دانشگاه پیام نور قطعه شماره ۷۹	۲۵۹۴	زمین	فاقد کاربری	۲۶۱/۹۵	۵/۳۹/۰۰۰/۰۰۰	۴/۲۳۵/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.	۲۴	اشکذر ، میدان فیروز آباد پشت سوغات علمدار قطعه ۲۷	۲۴۲۱	زمین	باغات و کشاورزی	۵۵۰/۰۳	۷۱/۱۵	۴/۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.
۲۱	زارچ ، پشت دانشگاه پیام نور قطعه شماره ۸۳	۲۵۹۶	زمین	فاقد کاربری	۲۴۹/۲۰	۴/۹۸۴/۰۰۰/۰۰۰	۳/۶۹۶/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.	۲۵	باقق ، جاده عباس آباد در مجاورت مرکز معاینه فنی خودرو ، قطعه ۲۵	۲۴۸۹	زمین	اتبار و کارگاه	۷۱/۱۵	۴/۰۵۵/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.	
۲۲	باقق ، جاده عباس آباد در مجاورت مرکز معاینه فنی خودرو ، قطعه ۴۲	۲۴۹۹	زمین	اتبار و کارگاه	۳۳۷/۷۹	۴/۶۳۶/۰۰۰/۰۰۰	۳/۶۹۶/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.	۲۶	باقق ، جاده عباس آباد در مجاورت مرکز معاینه فنی خودرو ، قطعه ۳۸	۲۴۹۴	زمین	اتبار و کارگاه	۱۵۴/۰۲	۳/۶۹۶/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.	
۲۳	اشکذر ، همت آباد ، قبل از میدان جنب چاه آب همت آباد ، قطعه شماره ۱۱	۲۶۲۷	زمین	خارج از بافت روستا	۵۰۶/۳۵	۴/۳۰۳/۰۰۰/۰۰۰	۳/۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.	۲۷	باقق ، جاده عباس آباد در مجاورت مرکز معاینه فنی خودرو ، قطعه ۵۱	۲۵۰۷	زمین	اتبار و کارگاه	۱۵۸/۷۲	۳/۴۹۱/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.	
										۲۸	اشکذر ، همت آباد ، قبل از میدان جنب چاه آب همت آباد ، قطعه شماره ۱۲	۲۶۲۸	زمین	خارج از بافت روستا	۴۵۰	۳/۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰	د	تکمیل فرم الحاقیه الزامی است.	